

## فرهنگ زفان‌گویان و جهان پویان تصحیح استاد نذیر احمد

سیده بلقیس فاطمه حسینی\*

زفان‌گویان و جهان پویان یکی از فرهنگ‌های قدیم فارسی است که در هندوستان نگاشته شده است. نویسنده این اثر بیش‌بها در قرن هشتم و نهم هجری می‌زیست. اسم نویسنده چنانکه از نوشته او برمی‌آید، بدر ابراهیم بود:

«چنین گوید بنده خوارترین... بدر ابراهیم ایزد در کار و گفتار او را یار»<sup>۱</sup>.

حافظ شیرانی اسمش را رشید بدر ابراهیم می‌نویسد. علاوه بر این وی را برادر جد بزرگ ابراهیم قوام فاروقی می‌داند که مؤلف شرف‌نامه منیری است. در فرهنگ جهانگیری اسمش بدرالدین آمده و بر اسم کتاب هفت بخشی نیز اضافه شده است. شاید دلیل این نامگذاری این باشد که این اثر بارز هفت بخش است. پروفیسور نذیر احمد به تحقیق می‌گوید که بجز صاحب فرهنگ جهانگیری کسی دیگر عنوان هفت بخشی را ذکر نکرده است.<sup>۲</sup>

شاید در آن زمان این فرهنگ با نام هفت بخشی مشهور بوده است. مصنف فرهنگ جهانگیری واژه «مشهور» به کار برده است؛ پس روشن است که همه می‌دانستند. الله‌داد سرهندی در مدارالافاضل آن را «پنج بخشی» نامیده است که اشتباه است. پروفیسور نذیر احمد این کتاب را بر بنای اختصار فرهنگ زفان‌گویا نام نهاده است و در داخل متن

\* رئیس بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. زفان‌گویا، ص ۳.

۲. همان، ص ۲.

فقط «زفان» نوشته است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، درباره معانی اسم کتاب تک تک واژه‌ها را از نظر لغوی بررسی و در کلام شعرا جستجو کرده و با استفاده از منابع مختلف درباره آن بحث کرده است.

زفان‌گویان بیش از پنج هزار و پانصد واژه دارد. در جلد اول چاپی آن تقریباً دو هزار و نهصد و سی و هشت واژه و در جلد دوم آن دو هزار و ششصد و پنجاه و شش واژه گنجانده شده است. این فرهنگ یک جلدی بود؛ ولی پروفیسور نذیر احمد آن را در دو جلد مرتب کرده است. این اثر یک مقدمه و هفت بخش و یک نهایت دارد. بخش‌ها به گونه و گونه‌ها به بهره‌ها تقسیم شده‌اند؛ گونه به اعتبار حروف الفبا و بهره به اعتبار حرف پایانی است. برای مثال:

گونه نخست در سخنانی که آغاز آن الف است بر بست [بیست] و دو بهره، بهره  
نخست در سخنانی که پایان آن الف است.

در این فرهنگ درباره واژه‌های مستعمل پهلوی، دری، عربی، ترکی، عجمی، رومی و یونانی نیز بحث شده است. نهایت یعنی خاتمه لغات متفرقه که بدون ترتیب الفبایی است:

بخش نخست درباره الفاظ مفرد؛

بخش دوم درباره مرکبات؛

بخش سوم درباره سخنان پهلوی و دری؛

بخش چهارم در سخنان تازی یعنی عربی؛

بخش پنجم درباره سخنان آمیخته به تازی و ترکی و عجمی؛

بخش ششم درباره لغات رومی و یونانی؛

بخش هفتم درباره لغات ترکی؛

کنایات؛

نهایت؛

در نسخه تاشکند به جای کنایات، فهرست مصدر آمده است.

۱. زفان‌گویا، ص ۳.

### سال تألیف

نویسنده زفان سال نگارش کتاب را ذکر نکرده است. پروفیسور سید حسن بر این عقیده است که ابراهیم قوام فاروقی مؤلف شرف‌نامه منیری نوه بدر ابراهیم بود و آخرالذکر برادر جدّ ابراهیم قوام فاروقی؛ پس تفاوت سنی این دو باید پنجاه سال باشد. به این صورت سال تألیف باید بین ۸۱۲ و ۸۲۹ ق باشد. دلیل دوم وی این است که چون ادات‌الفضلا که در سال ۸۲۲ ق نوشته شده است، در منابع خود نامی از آن نبرده است پس امکان دارد که این فرهنگ پس از سال ۸۲۲ ق نگاشته شده باشد. دکتر محمد باقر در جستجوی تاریخ تألیف این فرهنگ از مقاله پروفیسور شیرانی استفاده کرده است؛ ولی امکان ندارد که پروفیسور شیرانی در این زمینه تسامح کرده باشد؛ زیرا که در آن تاریخ ابجدی است، پس این اشتباه کتابت است که در مقاله وی ضبط شده است. این تاریخ با تاریخ تألیف دستورالافاضل فرق می‌کند. در دستورالافاضل شعری بدین قرار وجود دارد:

ز هجرت بود هفصد با سه و چهل مرتّب گشته دستورالافاضل

دکتر محمد باقر کورکورانه این مطلب را از مقاله پروفیسور شیرانی نقل کرده است. پروفیسور نذیر احمد در این زمینه با دلایلی محکم به این نتیجه می‌رسد که زفان‌گویا قبل از سال ۸۳۷ ق نوشته شده است؛ چرا که این اثر پرارزش یکی از منابع بحرالفضایل بوده است.<sup>۱</sup> اگرچه استاد سید حسن در تعیین تاریخ قیاس کرده است اما حدس وی درست‌تر است.

### سبب تألیف و مختصات فرهنگ

مؤلف پس از جمله‌های حمد و نعت و ذکر اسم خود سبب تألیف را چنین بیان می‌کند که کمبود فرهنگ‌های خوب باعث شد که کتابی چنین بنویسد تا واژه‌های هر زبان جدا جدا شناخته شوند. علاوه بر این تشویق صاحبان علم و توصیه نیازمندان به حدی رسید که قلم برداشت و مشغول نوشتن شد. همین بود که بر بنای ضرورت واژه‌های

۱. زفان‌گویا، ص ۶.

زبان‌های مختلف و مفردات و کنایات را جداگانه در بخش‌های گوناگون تقسیم کرده است. این فرهنگ یکی از قدیمی‌ترین فرهنگ‌های نوشته‌شده به این شیوه است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگ این است که مؤلف برخی از واژه‌های هندی و عربی که در آن زمان در زبان فارسی هندی رایج بود را جزء واژگان فارسی آورده است و این ویژگی علاوه بر بیان مهارت وی در زبان‌شناسی معرفت شیوه خاص اوست. مؤلف واژه‌های فارسی، عربی، ترکی، یونانی و غیره را در فصل‌های جداگانه مرتب کرده است. حرف «ز» و «ژ» را «زای» عربی و «رای» فارسی معرفی کرده و همین‌طور «ک» عربی و «ک» فارسی را نیز در فصل‌های جداگانه آورده است. پروفیسور نذیر احمد می‌نویسد که در فرهنگ‌های قدیم این تنها فرهنگی است که چنین ویژگی‌ای دارد. بخشی مخصوص مصادر است. علاوه بر این واژه‌های متفرقه در خاتمه که نهایت نام دارد، درج شده است.

مؤلف شواهدی شعری نیز بیان کرده است ولی تعداد آنها کم است. علاوه بر این شعرهای خود را نیز به کار برده است. این فرهنگ از فرهنگ‌هایی است که در آن واژه‌های زبان‌های محلی نیز معرفی شده‌اند؛ برای مثال زبان ماوراءالنهری، زبان مرغانه، زبان شیرازیان، زبان دیلمیان و غیره و این امر بر هنر فرهنگ‌نویسی وی دلالت می‌کند. سبک نگارش نویسنده مسجع و زبان وی فارسی سره است. زفان‌گویا در زمان خود فرهنگ معتبری بوده است و فرهنگ‌نویسان بعدی در فرهنگ‌های خود از آن به منزله مأخذ استفاده کرده‌اند؛ برای مثال بحرالفضائل، شرف‌نامه منیری، دستورالافاضل، فرهنگ جهانگیری و غیره.

### منابع زفان‌گویان

نویسنده مستقیماً هیچ منبعی را ذکر نکرده است؛ البته میان توضیحات خود از چند فرهنگ مانند لغت فرس اسدی، فرهنگ فردوسی، فرهنگ فخر قواس، رساله فرهنگ نصیر و غیره نام برده است.<sup>۱</sup>

۱. زفان‌گویا، ص ۹.

### نسخه‌های خطی

در حال حاضر ما درباره چهار نسخه خطی این اثر چنین اطلاعاتی داریم:

**کتابخانه خدابخش بانکی پور پتته:** نسخه این کتابخانه صد و هفتاد و دو برگ دارد، البته سه برگ آن یعنی برگ شماره ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ از کتاب دیگری است و بخش کنایات آن مفقود است. هر صفحه هفده سطر دارد. خط آن خوانا و عناوین آن با جوهر سرخ در خط نسخ جلی است و روی واژه‌ها خط کشیده شده است. بعضی جاها را موریانه خورده است. تاریخ کتابت آن سال ۹۵۰ ق است.

«تمت الكتاب فی یوم الثلثا وقت ظهر الثالث من ذی القعدة سنه خمسین تسع مائة».

سال کتابت به عدد نیز نوشته شده است.

**نسخه تاشکند:** کتابخانه دانشگاه تاشکند، ازبکستان شماره B۰۹/۲۹۲۰، نسخه تاشکند ۳۴ برگ ۱۸ سطری دارد. خط آن نستعلیق است و نام کاتب آن عرب نسفی است؛ چنانکه از عبارت زیر آشکار است:

«کتاب فرهنگ‌نامه زفان‌گویا و جهان پویا بیست و یکم ماه جمادی‌الثانی سنه ۱۰۴۳ به خط بنده حقیر بی بضاعت عرب نسفی».

شاید در کتابت سال اشتباه شده است. پروفیسور نذیر احمد حدس می‌زند که باید «۱۰۴۳» باشد و پژوهشگر بایفسکی آن را «۱۱۲۳» می‌داند. نسخه افتادگی دارد؛ از ابتدا تا واژه «خ» مفقود است. چند برگ وسط آن نیز گم شده است.

**نسخه موزه پاکستان:** این نسخه فرهنگ در مجموعه شماره ۱۰۴-1972/N. M قرار دارد و شامل ۳۸۷ برگ است. در این مجموعه چندین اثر دیگر نیز وجود دارد. زفان‌گویا از برگ «م» شروع می‌شود و تا ۱۷۹ الف ادامه دارد. این نسخه نیز کامل نیست. در آخر بخش هفتم از گونه چهارم تا گونه چهاردهم افتادگی دارد.

**نسخه کتابخانه سنایی:** این نسخه به نام نسخه فرهنگ پنج بخشی محفوظ است، اگرچه زفان‌گویا «هفت بخشی» است. دست‌نویس عکسی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نام فرهنگ لغات فرس وجود دارد. این نسخه نیز مبنی بر نسخه خطی هند است. استاد نذیر احمد تا زمان چاپ، این نسخه را ندیده بود. این نسخه به کوشش دکتر حبیب الله طالبی در تهران چاپ شده است.

ذکر فرهنگ زفان‌گویا بدون نام مصححان آن ناقص است. مصحح اول دکتر س. ا. بایفسکی نسخه تاشکند را با مقدمه و ملحقات و عکس نسخه در مسکو در سال ۱۹۷۴ م چاپ کرد. مصحح دوم آن پروفیسور نذیر احمد به کمک نسخه تاشکند و نسخه بانکی‌پور پتته جلد اول را تصحیح کرد و با مقدمه مفصل فارسی و انگلیسی از خدابخش اوریتتل پبلک لائبریری پتته در سال ۱۹۸۹ م منتشر کرد. وی پس از دریافت نسخه کراچی بقیه فرهنگ را تصحیح کرد و به نام جلد دوم به چاپ رساند. جلد دوم را نیز ناشر قبلی در سال ۱۹۹۷ م منتشر کرد.

بی‌جا نباشد اگر اینجا درباره روش تصحیح پروفیسور نذیر احمد سخنانی گفته شود. وی هیچ وقت در کار پژوهشی تا زمانی که با دلایل و برهان‌های محکم مطمئن نمی‌شد، بر سخن دیگران تکیه نمی‌کرد. او چشم بسته کار نمی‌کرد، حتی به نوشته‌ها و گفته‌های مؤلف نیز اعتماد نمی‌کرد و با دقت نظر آنها را بر محک تحقیق می‌سنجید. برای مثال نویسنده فخر قواس ادعا می‌کند که فرهنگ قواس مخصوص شاهنامه فردوسی است. پروفیسور نذیر احمد بر بنای مطالعه خود این ادعای وی را رد می‌کند و می‌نویسد: «دعوی مؤلف که او فهرست مفصلی شامل واژه‌های پهلوی و فارسی از شاهنامه تهیه نموده، به پایه تحقیق نمی‌رسد؛ زیرا در فرهنگ حاضر ابیات شاهد از دیوان‌های رودکی و سوزنی بیشتر از شاهنامه نقل شده است»<sup>۱</sup>. علاوه بر این از مأخذهای دیگری مانند لغت فرس اسدی و آثار زمخشری نیز استفاده کرده است. این امر شاهد این معنی است که استاد برای تصحیح متون، آثار متقدمان، معاصران و متأخران را بررسی کرده است.

استاد تک‌تک واژه‌های نقل شده در زفان‌گویا را در فرهنگ‌های بعدی مانند فرهنگ معین و دهخدا جستجو کرده و اطلاعات جزئی آنها را شرح داده است. برای مثال استاد نذیر احمد در ذیل واژه باخور (آن پانزده روز که در سال سخت گرم است «زفان») در پاورقی می‌نویسد:

۱. فرهنگ قواس، ص ۷؛ رامپور، ص ۱۹۹۹.

در بخش پنجم از زفان ذیل واژه باخورا، باخور نیز به‌همین معنی آمده است. ضمناً باید اضافه کرد که باخور بدین معنی تصحیف باحور است و این کلمه اخیر، عربی است. باحورا نیز به‌همین معنی آمده است، در لغت‌نامه دهخدا این را یونانی قرار داده‌اند؛ اما در فرهنگ معین باحور و باحورا عربی است؛ اما باخور و باخورا شامل این فرهنگ اخیر نیست و در لغت‌نامه واژه باخور به‌این صورت تشریح شده است:

«نام پدر آزر پدر ابراهیم که جد ابراهیم بود. چنان به‌نظر می‌رسد که باخور تصحیف ناحور است و به‌گفته طبری ناحور پدر تارخ و تارخ پدر ابراهیم که به‌نام آزر نیز شهرت دارد. دکتر معین با استناد به قاموس کتاب مقدس نام پدر ابراهیم تارخ و ترخ نوشته است»<sup>۱</sup>.

استاد نذیر احمد به تلفظ واژه‌ها نیز توجهی ویژه داشت. در زفان واژه «پریون» آمده است. بدر ابراهیم نویسنده زفان در ضمن املا می‌نویسد که بعضی به «بای» عربی و «زای» پارسی گویند.

نذیر احمد نه صرف اختلاف تلفظ واژه‌ها را در فرهنگ‌هایی مانند مؤیدالفضلا، مدارالافاضل، فرهنگ معین و لغت‌نامه بررسی کرده و در حاشیه آورده است، بلکه حتی در دواین شعرا نیز جستجو نموده و از دیوان منوچهری و سراجی مثال آورده است.<sup>۲</sup> استاد درباره اسم کتاب و معانی گویان و پویان که دانش‌آموز مبتدی نیز معانی این دو کلمه را می‌داند، این‌قدر محتاط است که از فرهنگ معین و دهخدا و گنج‌سخن عمادی و شاهنامه شاهد آورده است.<sup>۳</sup> همین‌طور وی درباره تلفظ زفان نیز مطالبی بیان کرده است.

استاد ناقدانه ویژگی‌ها و نقایص فرهنگ را یکی یکی طرح کرده و به‌این صورت چهارده نکته را به‌عنوان مزایای زفان‌گویا ذکر کرده است که این روش تصحیح وی بر تبخّر علمی او در علم زبان‌شناسی دلالت دارد. استاد در جایی نوشته است:

۱. رک: حاشیه برهان قاطع به‌قلم محمد معین.

۲. زفان‌گویا، ج ۱، ص ۱۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۶.

«نویسنده زفان‌گویا در علوم لغت و زبان دستگاهی داشته؛ اما در بعضی موارد بدون تحقیق مطالبی از فرهنگ‌های قدیمی نقل می‌کند و بنابراین نمی‌توان او را محقق علم لغت و علم زبان و کتاب او را کتابی محققانه دانست. شگفت‌آور است که بدر ابراهیم عیناً همین عبارت را که در فرهنگ‌های قدیم یافته، بدون هیچ تغییر و تبدیل در کتاب خود جا داده است. این روش کار تألیف او را از مقام و مرتبه می‌کاهد»<sup>۱</sup>.

مصحح برای تصحیح جلد اول، فقط به دو نسخه فرهنگ دسترسی داشت و آن نسخه‌ها هم ناقص بودند و در بعضی جاها افتادگی داشتند، به‌همین دلیل آن را از روی فرهنگ‌های دیگر کامل کرده و مطالب اضافه‌شده را بین هلالین گذاشته است و اگر مطلبی غلط نوشته شده، آن را اصلاح کرده است. استاد کتاب‌های تصوّف، طبّ و جغرافیا را نیز مطالعه می‌کرد و در تصحیح متن از آنها بهره می‌برد. وی مطالب تصحیح‌نشده‌نی و ناخوانا را همان‌طور در متن باقی می‌گذاشت. وی در بعضی موارد واژه «است» را اضافه کرده است. برای مثال اگر واژه‌ای در آن زمان بسیار معروف بود، مؤلف در برابر آن فقط واژه «معروف» را نوشته است. استاد «است» را به‌این دلیل اضافه کرد تا اشتباه نشود که معنی آن معروف نیست.

مصحح حواشی نسخه را جداگانه در مقدمه جا داده است. استاد در تصحیح این فرهنگ زحمت زیادی کشید و این فرهنگ نمونه بارز تصحیح متون فرهنگ و لغت است. باعث افتخار ما است که چنین فرهنگ خوبی در هند نگاشته شد و مصحح خوبی مانند استاد نذیر احمد با زحمت فراوان آن را چاپ کرد. در پایان به‌این نتیجه می‌رسیم که زفان‌گویان و جهان‌پویان یکی از فرهنگ‌های قدیمی است که از فرهنگ‌های قبلی ضخیم‌تر است و این اثر برای نویسندگان بعدی نمونه خوبی به‌شمار می‌رود. صاحب مؤیدالفضلا و دیگران از آن بهره برده‌اند. در این فرهنگ لهجه‌های مختلف ایرانی و ماوراءالنهری و واژه‌های زیادی از زبان اردو و هندی جمع‌آوری شده است که از نظر زبان‌شناسی بسیار مفید است و ارزش این کتاب را دو برابر می‌کند.

۱. زفان‌گویا، ص ۱۶.



## کتابنامہ

۱. حافظ محمود خان شیرانی، مقالات حافظ محمود شیرانی، ج ۱.
۲. حافظ محمود خان شیرانی، پنجاب میں اردو، مکتبہ کلیات، بشیرت گنج، لکھنؤ، دسامبر ۱۹۶۰ م.
۳. بدر ابراہیم، فرہنگ زفان گویا، ج اول و دوم، خدابخش اورینٹل لائبریری، پتنہ، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۷ م.
۴. فخرالدین مبارک شاہ غزنوی، فخر قواس، تصحیح پروفیسور نذیر احمد، رضا لائبریری رامپور، ۱۹۹۹ م.
۵. ریحانہ خاتون، نابغہ روزگار ناقد و مصحح فرہنگ پروفیسور نذیر احمد، دستنویس.
۶. سیدہ بلقیس فاطمہ حسینی، مطالعہ انتقادی ادبیات ہند و ایران بہ عہد سیدھا و بودیھا.